

## راه‌ها و مراحل نفوذ شیطان در انسان

حجت‌الاسلام والمسلمین علی عباس‌زاده \*

### مقدمه

لفظ شیطان و ابلیس در آموزه‌های دینی کاربردهای متفاوتی دارد؛ «شیطان» در معنای عام به معنای موجود شرور و سرکش است. «ابلیس» به معنای خاص، همان شیطان جنّی است که از درگاه الهی و رحمت او رانده شد. وقتی شیطان از درگاه الهی رانده شد، به خداوند عرض کرد: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ، إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ»<sup>۱</sup>: «گفت: «به عزّت‌ات سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد، مگر بندگان خالص تو از میان آنها.

شیطان راهزن خطرناکی برای انسان دین‌دار است و با تمام قوا و لشکرش تلاش بر انحراف و گمراهی انسان دارد. از طرفی باید اذعان داشت شیطان به اذن خداوند متعال در عرصه آزمایش و ابتلا مهم‌ترین نقش را برای آدمی ایفا می‌کند. شناخت این دشمن و راه‌های نفوذ او در زندگی، از مهم‌ترین وظایف هر انسانی است. شیطان با تدلیس، جلوه‌گری و نفوذ خود انسان را از توجه به خدا و سعادت حقیقی دور می‌کند. نکته مهم این است که ابلیس موجودی دارای عقل است؛ بنابراین از روی آگاهی و اختیار با خدای متعال به مخالفت پرداخته است؛ به همین دلیل نمونه آشکار و خوبی برای عبرت‌آموزی انسان به حساب می‌آید؛ چراکه انسان هم دارای عقل، علم و اراده است. شیطان گرچه عبادت خدا می‌کرد، به دلیل نداشتن ایمان واقعی دچار کبر شد و بر سر کبریایی خداوند به نزاع با او پرداخت و کبرورزی او زمینه‌ساز حبط اعمال صالح او گردید. در این نوشتار به مراحل و راه‌های نفوذ شیطان در انسان اشاره می‌شود.

\* نویسنده.

## شیوه‌های نفوذ شیطان

حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه درباره شناخت راهکار نفوذ شیطان و مذمت پیروانش می‌فرماید:

اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِأَمْرِهِمْ مَلَكَاً وَ اتَّخَذَهُمْ لَهُ أَشْرَكَاً فَبَاصَ وَ فَرَّخَ فِي صُدُورِهِمْ وَ دَبَّ وَ دَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ فَتَنَزَّرَ بِأَعْيُنِهِمْ وَ نَطَقَ بِأَلْسِنَتِهِمْ فَرَكَبَ بِهِمُ الزَّلَّالَ وَ زَيْنَ لَهُمُ الْخَطْلَ، فِعْلٌ مَنْ قَدْ شَرِكَهُ الشَّيْطَانُ فِي سُلْطَانِهِ وَ نَطَقَ بِالْبَاطِلِ عَلَى لِسَانِهِ: <sup>۱</sup> منحرفان، شیطان را معیار کار خود گرفتند و شیطان نیز آنها را دام خود قرار داد و در دل‌های آنان تخم گذارد و جوجه‌های خود را در دامان‌شان پرورش داد. با چشم‌های آنان می‌نگریست و با زبان‌های آنان سخن می‌گفت؛ پس با یاری آنها بر مرکب گمراهی سوار شد و کردارهای زشت را در نظرشان زیبا جلوه داد؛ مانند رفتار کسی که نشان می‌داد در حکومت شیطان شریک است و با زبان شیطان، سخن باطل می‌گوید.

با تأمل در آموزه‌های دینی، نفوذ شیطان در وجود هر انسانی اختیاری دانسته می‌شود و نه اجباری. در حقیقت انسان‌ها به شیطان چراغ سبز نشان می‌دهند و مجوز ورود او را در کشور وجود خویش صادر می‌کنند: «وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي»: <sup>۲</sup> من بر شما تسلطی نداشتم، جز اینکه دعوت‌تان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید.

شیطان برای نفوذ از نقاط ضعف انسان استفاده می‌کند؛ برای مثال آدمی وقتی خشمگین می‌شود، عقل‌اش خوب کار نمی‌کند و ناتوان از تصمیم درست می‌شود و شیطان از همین جا وارد می‌شود. شیطان در بروز دشمنی از هر روزه‌ای اعم از اعتقادی، فکری، تعبدی و اخلاقی با ابزارهای متفاوت ورود می‌کند. در ادامه به مراحل و شیوه‌های نفوذ شیطان در انسان اشاره می‌شود:

### ۱. دعوت

از آنجاکه دعوت شیطان به زشتی و گناه است، انسان‌ها به راحتی دعوت او را قبول نمی‌کنند؛ چراکه دعوت او به زشتی و گناه است؛ بنابراین شیطان برای دعوت خود ترندهایی به کار

۱. شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۷.

۲. ابراهیم: ۲۲.

می‌گیرد. شیطان با خوب جلوه‌دادن زشتی‌ها، قبح زشتی را از بین می‌برد و وارد زندگی انسان‌ها می‌شود. انسان‌ها ابتدا پاک و خوب به دنیا می‌آیند؛ ولی به تدریج تا مرحله قاتل شدن پیش می‌روند. شیطان از تمام جهات با تمام توان انسان را به شرارت و زشتی دعوت می‌کند. در قرآن می‌خوانیم: «ثُمَّ لَاتِيَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ»<sup>۱</sup>: آن‌گاه از پیش‌رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپ‌شان بر آنها م‌تازم و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت.

مراد از چهار طرف در آیه در دعوت و همراهی شیطان، جهات جغرافیایی نیست، کنایه است؛ اینکه شیطان از جلو می‌آید، یعنی آخرت پیش‌روی را کوچک نشان می‌دهد؛ برای مثال اگر فرد گناهی انجام داد، می‌گوید هنوز برای توبه وقت داری، جوان هستی و برای عبادت وقت زیاد است؛ اگر به جهنم بروی، پس وای به حال آنهایی که چه کارها نمی‌کنند؛ ضمن اینکه تو می‌خواهی، در آینده جبران کنی.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

آمدن شیطان از پیش‌رو، سبک و ساده جلوه‌دادن آخرت آست و منظور از پشت‌سر، مشغول کردن مردم به مال‌اندوزی و بخل از پرداخت حقوق واجب به خاطر وراثت و متعلقین است؛ هدف از سمت راست، ضایع کردن امور معنوی به وسیله شبهات و ایجاد شک و تردید است و منظور از سمت چپ، لذات مادی و شهوت را در نظر مردم جلوه می‌دهد.<sup>۲</sup>

به فرموده امام علی علیه السلام شیطان کار را برای بعضی‌ها بدان‌جا می‌رساند که: «إِتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لَأَمْرِهِمْ مَلَكَاً»<sup>۳</sup>: منحرفان در کارشان شیطان را ملاک و اساس کار و الگو خود قرار دادند. همان‌گونه که اشاره شد، شیطان بر کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلطی ندارد؛ تسلط او تنها بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده‌اند، توسط او شرک می‌ورزند و به فرمان‌هایش به جای فرمان خدا گردن می‌نهند. وقتی شخص شیطان را به تولی بپذیرد و شیطان در او نفوذ کند، در این هنگام شیطان اهداف خود را در او دنبال می‌کند؛ در این

۱. اعراف: ۱۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۱۰؛ به نقل از تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۰۳.

۳. شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۷.

مرحله شیطان‌الگوایی مقبول از خود به نمایش می‌گذارد تا در جذب و یارگیری موفق عمل کند و این منحرفان‌اند که شیطان را ملاک و الگوی خود قرار می‌دهند.

## ۲. وعده

شیطان پس از دعوت و معرفی خود در جایگاه الگو و سرپرست برای پیشبرد اهدافش، با گام‌های آرام به سراغ انسان می‌آید؛ مثل دزدی که صاحب‌خانه با صدای پایش بیدار نشود. شیطان در این مرحله وعده‌هایی به انسان می‌دهد؛ او با ترندهای خود گام‌به‌گام، تدریجی و آهسته و با وعده‌هایی انسان را به انحراف می‌کشاند. خداوند چه زیبا دعوت و وعده‌های شیطان را در این آیه ترسیم می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»<sup>۱</sup> ای مؤمنان، از گام‌های شیطان پیروی نکنید و هر که از گام‌های شیطان پیروی کند [هلاک می‌شود]؛ زیرا شیطان به کار بسیار زشت و عمل ناپسند فرمان می‌دهد.

آری! شیطان با قدم‌های آهسته خیلی آرام ورود پیدا می‌کند و در ابتدا کسی را دعوت به منکرات، فحشا یا دزدی نمی‌کند، به‌ویژه انسان‌های متدین؛ زیرا می‌داند این دعوت‌ها اجابت نخواهد شد. او در شرایط حساس سراغ آدم می‌آید و از نقاط ضعف انسان‌ها به‌خوبی استفاده می‌کند؛ برای مثال وقتی انسان محتاج مساعدت مالی است، به سراغش می‌آید و او را به استفاده از اموال شبهه‌ناک و بیت‌المال وسوسه می‌کند و به او وعده می‌دهد بعد جبران خواهد کرد. شیطان در گام‌های اولیه، گناهان کوچک را ناچیز نشان می‌دهد و می‌گوید انجام آنها به کسی آسیب نمی‌زند و بعد با صبر و حوصله، کم‌کم انسان را به سوی انجام بزرگ‌ترین گناهان سوق می‌دهد.

در سرنوشت بعضی از جباران تاریخ می‌بینیم برخی از آنها در ابتدا افراد بدی نبودند و بعدها به مرور زمان با نفوذ شیطان به انسان‌های جنایتکار تبدیل شدند. عبدالملک بن مروان پیش از رسیدن به قدرت، یکی از فقهای مدینه به شمار می‌رفت و به زهد، عبادت و دین‌داری شهرت داشت و اوقات خود را در مسجد با عبادت سپری می‌کرد؛ به طوری که به او «حمامة المسجد» (کبوتر مسجد) می‌گفتند. او مشغول خواندن قرآن بود که خبر مرگ پدرش مروان را شنید. او با شنیدن این خبر، قرآن را بست و گفت: «اکنون بین من و تو جدایی افتاد و دیگر با تو کاری

ندارم!)<sup>۱</sup>. او به‌راستی از قرآن جدا شد و در اثر غرور، چنان دستخوش مسخ شخصیت گردید که مورخان از کارنامه سپاه حکومت او به تلخی یاد می‌کنند. طی تاریخ اسلام عبدالملک نخستین کسی بود که غدر و خیانت ورزید [عمرو بن سعید بن العاص را پس از امان دادن کشت]، مردم را از سخن‌گفتن در حضور خلیفه منع کرد و از امر به معروف جلوگیری کرد. او در مدت حکومت طولانی خود، چنان با ظلم، فساد و بیدادگری خو گرفت که نور ایمان در دل او به کلی خاموش شد. وی روزی خود به این امر اعتراف کرد و به سعید بن مسیب گفت: «چنان شده‌ام که اگر کار نیکی انجام دهم، خوشحال نمی‌شوم و اگر کار بدی از من سرزند، ناراحت نمی‌گردم. سعید بن مسیب گفت: مرگ دل در تو کامل شده است»<sup>۲</sup>.

آری، شیطان کار خود را در وجود او تمام کرده بود؛ چون شیطان وعده داده است از چهار طرف حمله می‌کند و در صورت همراهی انسان تا اوج شقاوت رهنمون می‌کند. در این مرحله مریدان شیطان فرمان‌بردار او هستند و به تعبیر علی علیه السلام: «فَنَظَرَ بِأَعْيُنِهِمْ، وَ نَطَقَ بِأَلْسِنَتِهِمْ»<sup>۳</sup>. شیطان با چشم آنها نگاه می‌کند و با زبان‌شان سخن می‌گوید. یعنی سرانجام این تخم شیطانی که مبدل به جوجه شده بود و پرورش یافت و قوی شد، تبدیل به شیطانی متحد با آنها می‌شود؛ در تمام اعضای آنها نفوذ می‌کند، به گونه‌ای که صاحب شخصیت دوگانه‌ای می‌شوند؛ از یک نظر انسان‌اند و از یک نظر شیطان. ظاهرشان شبیه انسان‌هاست؛ اما باطن‌شان شیطانی است.

### ۳. تزئین

قرآن کریم از زبان شیطان می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ»<sup>۴</sup> ابلیس گفت: پروردگارا، چون مرا گمراه ساختی، من [نعمت‌های مادی را] در زمین در نظر آنها زینت می‌دهم و همگی را گمراه خواهم کرد. شیطان مطابق این آیه کفر، شرک و همه معاصی را در نظر انسان‌ها جلوه و زینت می‌دهد تا آنها را خوب پندارند و در مقابل ایمان و اطاعت از خدا رزشت و قبیح بدانند.

متأسفانه امروزه برخی از گناهان، قبح و زشتی خود را از دست داده‌اند و برخی از ارزش‌ها رنگ باخته‌اند و بعضی از ضدارزش‌ها به عنوان ارزش در انظار جامعه جلوه‌گر شده است؛ برای

۱. جلال‌الدین سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۲۱۷.

۲. <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=25&lid=0&catid=23286&mid=316378>.

۳. شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۷.

۴. حجر: ۳۹.

مثال حجاب و پوشش که نه تنها در باورهای دینی، بلکه در فطرت پاک انسانی از ارزش‌های والای انسانی دانسته می‌شود؛ با تلاش شیطان به جایی رسیده است که این ارزش‌ها جایجا شده است؛ به گونه‌ای که حیا، عفت، مردانگی و غیرت کم‌فروغ شده است و ملتزمین به این ارزش و پوشش در جایگاه کهنه‌پرست و غیرمترقی معرفی می‌شوند. بر این اساس شیطان در این مرحله به گونه‌ای پیشرفت می‌کند که مردانش دیگر چیزی را به نام زشتی نمی‌بینند و همه بدی‌ها، خوب جلوه پیدا می‌کند: «فَرَكِبَ بِهِمُ الزَّلَّلَ، وَ زَيَّنَ لَهُمُ الْخَطْلَ».<sup>۱</sup> در واقع شیطان زشتی‌ها را تزئین می‌کند تا خوشایند باشد؛ زیرا انسان‌ها فطرتاً از زشتی‌ها بدشان می‌آید. شیطان با توجیهات ناصواب خود بدی را به شکل خوبی‌ها و منکر را به شکل معروف جلوه می‌دهد.

#### ۴. شریک و همیار

شیطان در مرحله بعد آدمی را در سلطه خود شریک و همیار می‌کند و سخنان باطل را بر زبان او جاری می‌نماید. تعبیر امیرمؤمنان علیه السلام: «فِعْلَ مَنْ قَدْ شَرِكَهُ الشَّيْطَانُ فِي سُلْطَانِهِ، وَ نَطَقَ بِالْبَاطِلِ عَلَى لِسَانِهِ»،<sup>۲</sup> اشاره به این امر دارد که اعمال آنها به خوبی گواهی می‌دهد «شیطان» در آنها نفوذ کرده است و به راهی که می‌خواهد، می‌برد. در این هنگام سخنان و نگاه‌شان شیطانی است و حضور شیطان در اعمال آنها به خوبی دیده می‌شود؛ بنابراین شریکان و جنود جنی و انسی او که اوامر او را اجابت کرده‌اند، در همه جا با ایجاد وسوسه و القائات باطل سبب گمراهی امت‌ها می‌شوند.

در این مرحله به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام جوجه‌های شیطان بزرگ شده‌اند؛ به اندازه‌ای که این افراد زبان و دیده‌بان شیطان می‌شوند و با توجه به روایات هر کسی از هر طرف که راه ورود را باز ببیند، وارد می‌شوند. در مرحله قبل، فرمان‌بردار بودند و اوامر شیطان را اجرایی می‌کردند؛ ولی در این مرحله خود تبدیل به شیطان شده‌اند و شععی از شعبات شیطان را در وجود خود اداره می‌کنند.

#### ۵. آسان‌سازی گناهان

آسان‌سازی و کوچک‌نمایی گناهان بزرگ و زمینه‌سازی برای ارتکاب آن از طریق ظاهرکردن کار زشت در نمایی زیبا، همراه با ایجاد آرزوهای طولانی انسان، از روش‌های مرموز شیطان است.

۱. شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۷.

۲. همان.

خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ»<sup>۱</sup>: همانا آنان که برگشتند، بر پشت‌های خویش از پس آنکه آشکار شد، برای ایشان هدایت شیطان بیاراست برای ایشان و فریب‌شان داد.

کلمه «تسویل» مصدر «سول» به معنای جلوه‌دادن چیزی است که نفس آدمی حریص بر آن است؛ به گونه‌ای که زشتی‌هایش هم در نظر زیبا شود. بنابراین «سَوَّلَ لَهُمْ» به معنای زیباسازی زشتی‌ها و وارونه‌نمایاندن واقعیت‌ها یا به معنای «تسهیل» و آسان‌سازی است؛ یعنی شیطان راه انحراف را برای انسان آسان جلوه می‌دهد.<sup>۲</sup>

### ۶. ایجاد تردید در باورهای دینی

شناخت خدا و بندگی او کمال انسان و هدف آفرینش است؛ از این رو شیطان نهایت تلاش خود را به کار می‌بندد تا فرد را از مسیر بندگی پروردگار خارج سازد و او را به خدایش کافر کند. شیطان در آغاز نمی‌تواند به این هدف دست یابد؛ به همین دلیل می‌کوشد برای رسیدن به هدف نهایی، نقشه‌های مقدماتی را «همانند آلوده کردن فرد به گناهان» اجرا کند. اگر شیطان بتواند یاد خدا و اعتقاد به او را که اساس سعادت است، از صفحه دل و زندگی فرد به کلی پاک کند، چنین شخصی کاملاً بی‌پناه و طعمه دام او شده است؛ بنابراین به هر سمت که بخواهد، او را می‌کشاند و هر کاری که بخواهد، بر عهده او می‌گذارد و به وسیله او هر عملی را انجام می‌دهد. در حقیقت فردی که به خدایش کفر ورزیده، از سپاه و سربازان شیطان می‌شود که شیطان او را فرمان می‌دهد و سرپرستی می‌کند و او نیز به آسانی اطاعت می‌کند. این مطلب در قرآن به روشنی بیان شده است: «إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»<sup>۳</sup> [اما بدانید] ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند.

روایات فراوانی نشانگر آن است که شیطان در حساس‌ترین لحظه زندگی، یعنی لحظات احتضار و انتقال به جهان دیگر، نیروهای خود را بسیج می‌کند تا گوهر گران‌بهای ایمان را از فرد محتضر بستاند. امام صادق علیه السلام فرمود:

مَا مِنْ أَحَدٍ يَحْضُرُهُ الْمَوْتُ إِلَّا وَكَلَّ بِهِ إِبْلِيسُ مِنْ شَيْطَانِهِ أَنْ يَأْمُرَهُ بِالْكَفْرِ وَيَشَكِّكَهُ فِي

۱. محمد: ۲۵.

۲. ر. ک به: سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۲۴۱؛ حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۳۷.

۳. اعراف: ۲۷.

دِينِهِ حَتَّى تَخْرُجَ نَفْسُهُ فَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ فَإِذَا حَضَرْتُمْ مَوْتَكُمْ فَلَقْنُوهُمْ شَهَادَةَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى يَمُوتَ: <sup>۱</sup> هیچ کس نیست که مرگش فرا رسد، مگر اینکه ابلیس به شیطان‌های خود دستور می‌دهد او را به کفر بکشانند و در دینش ایجاد تردید کنند؛ تا اینکه جانش بیرون آید. پس زمانی که نزد افرادی در حال مرگ بودید، گواهی دادن بر این را که "خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به‌راستی فرستاده خداست"، به او تلقین کنید تا اینکه بمیرد.

### راهکار مقابله نفوذ شیطان

برای مقابله با راه‌های نفوذ شیطان باید دست‌کم به دو راهکار مسلح شویم که در ادامه به‌اختصار به آن می‌پردازیم:

الف) شناخت شیطان و اینکه بدانیم شیطان دشمن قسم‌خورده ماست و هیچ‌گاه خیر و سعادت ما را نمی‌خواهد؛

ب) به تهذیب نفس پردازیم و نفس را از بیماری‌های روحی درمان کنیم تا در عمل اسیر فریب‌کاری شیطان نشویم.

درباره راهکار نخست، خداوند فرموده است شیطان دشمن ماست و ما باید او را دشمن بدانیم. وقتی شیطان دشمن شد، به‌یقین به فکر دشمنی با انسان است و هیچ‌وقت خیر و سعادت ما را نخواهد خواست، بلکه تنها هدف او آن است که همه ما را جهنمی کند. ما نباید شیطان را خیرخواه و دوست خود انتخاب کنیم: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ» <sup>۲</sup> البته شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید؛ او فقط حزبش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان [جهنم] باشند. خداوند مهربان و خیرخواه در آیه دیگری می‌فرماید:

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۲۴.

۲. فاطر: ۶.



**أُولِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ:**<sup>۱</sup> ای فرزندان آدم، شیطان شما را نفریبد، آن‌گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و لباس‌شان را از تن‌شان بیرون ساخت تا عورت‌شان را به آنها نشان دهد؛ چه اینکه او و همکارانش شما را می‌بینند از جایی که شما آنها را نمی‌بینید؛ [اما بدانید] ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند.

درباره راهکار دوم این نکته قابل توجه است که بدانیم تنها راه رستگاری و فوز ابدی ما، تزکیه نفس و پاک کردن نفس از رذایل و آراستن آن به فضایل، معرفت و عبودیت حضرت حق است؛ همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «**قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا**»<sup>۲</sup> هر که نفس خود را پاک و تزکیه کند، رستگار شده است.

بنابراین باید همت اصلی ما آن باشد که بیماری‌های روحی و نفسانی خود را درمان کنیم؛ بیماری‌هایی از قبیل سخن‌چینی، دروغ‌گویی، حسد، کینه، خشم و ..... با مطالعه کتب اخلاقی و عمل به آنها، انس با قرآن، انتخاب دوستان متدین و ... می‌توانیم نقطه ضعف‌های خودمان را درمان کنیم تا شیطان نتواند از طریق آنها در ما نفوذ کند.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابن طقطقا، ابوعبدالله محمد بن علی؛ الفخری فی الآداب السلطانية و الدول الإسلامية؛ بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ تحقیق: صفوان عدنان داودی؛ چ اول، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
۳. سیوطی، جلال‌الدین؛ تاریخ الخلفاء؛ تحقیق: محمد محیی‌الدین عبدالحمید؛ الطبعة الثالثة، قاهره: مطبعة المدنی، ۱۳۸۳ ق.
۴. شریف رضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی؛ قم: نشر مشهور، ۱۳۷۹ ش.

---

۱. اعراف: ۲۷.

۲. شمس: ۹.

۵. شهیدی، سیدجعفر؛ زندگانی علی بن الحسین علیه السلام؛ چ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۶. طبرسی، فضل بن حسن؛ تفسیر مجمع البیان؛ بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۱۵ ق.
۷. طیب، عبدالحسین؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن؛ چ دوم، تهران: نشر اسلام، ۱۳۶۹ ش.
۸. مکارم شیرازی ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه؛ چ سى و دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ ش.